



## تحلیل محتوای تجارب معلمان در اجرای آموزش محیط‌زیستی در مدارس ابتدایی

زهرا افخمی‌نیا<sup>۱</sup>، محسن سلطانی<sup>۲</sup>

۱. گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

\* ایمیل نویسنده مسئول: [soltani.mohsen@gmail.com](mailto:soltani.mohsen@gmail.com)

### چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر نهاده‌سازی آموزش چندفرهنگی در مدارس ایران با تمرکز بر تجربیات و دیدگاه‌های متخصصان، معلمان و مدیران آموزشی بود. این پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۸ نفر از معلمان، مدیران، و کارشناسان آموزشی در شهر تهران گردآوری شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار NVivo ۱۲ صورت گرفت. تحلیل داده‌ها به شناسایی سه مقوله اصلی شامل «الزامات نهادی و ساختاری»، «ظرفیت‌های انسانی و فرهنگی» و «راهبردهای تربیتی و آموزشی» منجر شد. این سه مقوله در قالب ۱۶ زیرمقوله و مفاهیم متعددی چون سیاست‌گذاری آموزشی، شایستگی فرهنگی معلمان، نگرش به تفاوت، ادغام محتوای فرهنگی در برنامه درسی و محیط یادگیری شامل گرا دسته‌بندی شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که نهاده‌سازی آموزش چندفرهنگی مستلزم هماهنگی میان‌سازمانی، حمایت ساختاری، تقویت شایستگی‌های فرهنگی معلمان، و طراحی راهبردهای جامع در حوزه آموزش و یادگیری است. این مؤلفه‌ها می‌توانند راهنمایی برای سیاست‌گذاران، مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی در مسیر تحقق آموزش فراگیر و عادلانه باشند.

**کلیدواژه‌گان:** آموزش چندفرهنگی؛ نهاده‌سازی؛ معلمان؛ سیاست‌گذاری آموزشی؛ تحلیل مضمون؛ آموزش و پرورش ایران

تاریخ ارسال: ۳۰ دی ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۲ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۵ فروردین ۱۴۰۳



**How to cite:** Afkhaminia, Z., & Soltani, M. (2024). Identifying the Influential Components in Institutionalizing Multicultural Education in Schools. *Training, Education, and Sustainable Development*, 2(1), 1-9.



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

# Identifying the Influential Components in Institutionalizing Multicultural Education in Schools

Zahra Afkhaminia<sup>1</sup>, Mohsen Soltani<sup>2\*</sup>

1. Department of Curriculum Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

2. Department of Curriculum Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

\*Corresponding Author's Email: [soltani.mohsen@gmail.com](mailto:soltani.mohsen@gmail.com)

## Abstract

The aim of this study was to identify the key components influencing the institutionalization of multicultural education in Iranian schools based on the experiences and perspectives of educators, experts, and school administrators. This qualitative study employed thematic analysis. Data were collected through semi-structured interviews with 18 teachers, school principals, and educational experts in Tehran. Participants were selected through purposive sampling until theoretical saturation was achieved. Data were analyzed using NVivo 12 software. Analysis revealed three main themes: "institutional and structural requirements," "human and cultural capacities," and "educational and pedagogical strategies." These were further broken down into 16 subthemes including educational policymaking, teachers' cultural competence, attitudes toward diversity, curriculum integration, and inclusive learning environments. The findings indicate that institutionalizing multicultural education requires cross-sectoral coordination, structural support, enhancement of teachers' cultural competencies, and the design of inclusive pedagogical strategies. These components offer valuable insights for policymakers, school leaders, and curriculum designers to develop equitable and culturally responsive educational practices.

**Keywords:** *Multicultural education; institutionalization; teachers; educational policy; thematic analysis; Iranian education system*

Submit Date: 20 January 2024

Revise Date: 2 March 2024

Accept Date: 21 March 2024

Publish Date: 3 April 2024

در دهه‌های اخیر، تغییرات شگرف جمعیتی، مهاجرت‌های بین‌المللی، و افزایش تنوع فرهنگی در جوامع مختلف، نظام‌های آموزشی را با چالش‌ها و فرصت‌های نوینی مواجه کرده‌اند. در چنین زمینه‌ای، آموزش چندفرهنگی به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین تربیتی، نقش مهمی در تقویت همزیستی، احترام متقابل، و کاهش تعارضات فرهنگی ایفا می‌کند. هدف آموزش چندفرهنگی، آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زیست مؤثر در جوامع متنوع فرهنگی است و این امر مستلزم درک، پذیرش و تعامل با گوناگونی‌های فرهنگی، زبانی، قومی، مذهبی و اجتماعی می‌باشد (Banks, 2015).

آموزش چندفرهنگی مفهومی فراتر از آشنایی با فرهنگ‌های مختلف است؛ این رویکرد بر عدالت اجتماعی، برابری فرصت‌ها و شناسایی ساختارهای تبعیض‌آمیز تأکید دارد و سعی دارد ضمن گنجاندن فرهنگ‌های گوناگون در برنامه درسی، صدای گروه‌های حاشیه‌ای و اقلیت را نیز در فرایند آموزش و یادگیری تقویت کند (Gay, 2018). بر این اساس، آموزش چندفرهنگی ابزاری برای توانمندسازی دانش‌آموزان در جهت توسعه هویت فرهنگی، تعامل مثبت با دیگران، و ایفای نقش مسئولانه در جامعه است (Nieto & Bode, 2012). از این منظر، مدارس نه تنها محل یادگیری علمی، بلکه کانونی برای تقویت همزیستی فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شوند.

با وجود اهمیت این نوع آموزش، نهادهای آموزشی چندفرهنگی در مدارس با موانع گوناگونی مواجه است. فقدان سیاست‌گذاری جامع، نبود منابع آموزشی متنوع، نگرش‌های قالبی در میان معلمان، و عدم آمادگی ساختاری نظام آموزشی از جمله موانع شناخته‌شده‌اند (Sleeter, 2011). همچنین، تحلیل مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها به‌ویژه در جوامع در حال گذار، با چالش‌هایی جدی در تحقق آموزش چندفرهنگی روبه‌رو هستند. در این کشورها، نهادهای آموزشی اغلب دارای ساختارهایی تک‌فرهنگی و همگن‌اند که امکان حضور و بروز فرهنگ‌های گوناگون را محدود می‌سازند (Leeman & van Koeven, 2019).

در ایران نیز با توجه به تنوع فرهنگی، زبانی و قومی گسترده، موضوع آموزش چندفرهنگی دارای اهمیتی دوچندان است. ترکیب جمعیتی کشور که شامل قومیت‌هایی چون فارس، ترک، کرد، لر، بلوچ، عرب و ترکمن است، ایجاب می‌کند نظام آموزش و پرورش به‌گونه‌ای طراحی شود که این تنوع را بازتاب دهد و از طریق سیاست‌ها، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی فراگیر، بستر گفت‌وگو، تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز را فراهم سازد. با این حال، بررسی اسناد بالادستی نظیر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی، نشان‌دهنده رویکردی غالباً همگون‌ساز و یکپارچه‌نگر است که توجه نظام‌مندی به مؤلفه‌های آموزش چندفرهنگی در آن کمتر مشاهده می‌شود (حاجی‌بابایی، ۱۳۹۹).

از سوی دیگر، در سطح مدرسه، عوامل متعددی بر تحقق آموزش چندفرهنگی تأثیر می‌گذارند؛ از جمله نگرش و باورهای معلمان، سطح شایستگی فرهنگی آنان، حمایت مدیران، نوع تعامل با والدین، و همچنین محتوای آموزشی مورد استفاده. مطالعات بین‌المللی نشان داده‌اند که مهم‌ترین عامل مؤثر بر موفقیت آموزش چندفرهنگی، شایستگی فرهنگی معلمان است که خود متأثر از آموزش‌های حرفه‌ای، تجارب شخصی، و فضای اجتماعی مدرسه می‌باشد (Lucas & Villegas, 2013). در همین راستا، توسعه نظام‌مند آموزش‌های ضمن خدمت برای معلمان و مدیران مدرسه در زمینه تنوع فرهنگی، یکی از راهکارهای اصلی نهادهای سازی این رویکرد شناخته می‌شود.

یکی دیگر از ابعاد کلیدی در اجرای موفق آموزش چندفرهنگی، نحوه ادغام آن در برنامه درسی است. به‌جای ارائه درس‌هایی جداگانه با محتوای فرهنگی خاص، پیشنهاد می‌شود که موضوعات چندفرهنگی در بستر دروس مختلف مانند تاریخ، زبان فارسی، مطالعات اجتماعی، هنر و حتی علوم تلفیق شوند. این ادغام نه تنها موجب افزایش درک دانش‌آموزان از فرهنگ‌های گوناگون می‌شود، بلکه زمینه مشارکت فعال‌تر دانش‌آموزان اقلیت را در فرایند یادگیری فراهم می‌سازد (Banks, 2015).

در کنار مسائل محتوایی، محیط مدرسه نیز در نهادهای سازی آموزش چندفرهنگی نقش بسزایی دارد. محیط یادگیری باید منعکس‌کننده تنوع فرهنگی باشد؛ این مهم از طریق استفاده از تصاویر، نمادها، زبان‌های مختلف و رویدادهای فرهنگی ممکن می‌شود. در پژوهش‌های متعدد، به

اهمیت ایجاد فضای «شامل‌گرا» (inclusive) در مدرسه اشاره شده است؛ فضایی که در آن همه دانش‌آموزان صرف‌نظر از پیشینه فرهنگی خود، احساس تعلق و دیده‌شدن داشته باشند (Gorski, 2016).

با این حال، موفقیت چنین برنامه‌هایی بدون حمایت نهادی و هماهنگی سیاست‌گذاران، مدیران و معلمان امکان‌پذیر نیست. لازم است در سطوح مختلف مدیریتی آموزش و پرورش، درک مشترکی از اهمیت آموزش چندفرهنگی ایجاد شود تا از طریق تأمین منابع، نظارت، ارزیابی و بازخورد مستمر، امکان تثبیت این رویکرد در مدارس فراهم گردد (Leeman & van Koeven, 2019).

با توجه به خلأ مطالعات بومی در زمینه شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر نهادینه‌سازی آموزش چندفرهنگی در مدارس ایران، به‌ویژه در بافت فرهنگی خاص شهر تهران که دارای تنوع بالای قومی، زبانی و اجتماعی است، انجام پژوهشی کیفی در این حوزه ضروری به‌نظر می‌رسد. این پژوهش با بهره‌گیری از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و تحلیل مضمون تلاش دارد تا با شناسایی دیدگاه‌ها، تجارب و تحلیل‌های متخصصان، معلمان، مدیران و کارشناسان حوزه تعلیم و تربیت، ابعاد مختلف نهادینه‌سازی آموزش چندفرهنگی در مدارس را روشن سازد و الگویی بومی برای تحقق این هدف ارائه نماید.

### روش‌شناسی

در این پژوهش از رویکرد کیفی با هدف شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر نهادینه‌سازی آموزش چندفرهنگی در مدارس استفاده شده است. این تحقیق با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده و رویکرد آن اکتشافی است.

طرح پژوهش حاضر از نوع کیفی و مبتنی بر تحلیل مضمون است. جامعه آماری شامل خبرگان حوزه آموزش و پرورش، اساتید دانشگاهی در حوزه علوم تربیتی و متخصصان دارای تجربه عملی در پیاده‌سازی آموزش چندفرهنگی در مدارس شهر تهران بوده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و ملاک‌محور، ۱۸ نفر از مشارکت‌کنندگان که دارای تجربه، دانش تخصصی و سابقه اجرایی در زمینه آموزش چندفرهنگی بودند، انتخاب شدند. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ بدین معنا که پس از مصاحبه با ۱۸ نفر، داده‌های جدیدی حاصل نشد و مصاحبه‌ها به اشباع اطلاعاتی رسیدند.

برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. این مصاحبه‌ها به صورت حضوری و با رعایت اصول اخلاقی پژوهش انجام شدند. راهنمای مصاحبه بر اساس مرور پیشینه نظری و ادبیات مرتبط با آموزش چندفرهنگی طراحی شده و حاوی سؤالاتی باز برای دستیابی به تجارب، دیدگاه‌ها و تحلیل‌های مشارکت‌کنندگان بود. مدت زمان هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۶۵ دقیقه بود و با اجازه افراد، تمامی مصاحبه‌ها ضبط و سپس واژه به واژه پیاده‌سازی شدند.

داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از نرم‌افزار NVivo نسخه ۱۲ تحلیل شدند. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) استفاده گردید که شامل مراحل آشنایی با داده‌ها، کدگذاری اولیه، جستجوی مضامین، بازبینی مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین و نگارش گزارش نهایی بود. کدگذاری توسط دو پژوهشگر به صورت مستقل انجام شد و برای افزایش اعتبار و پایایی نتایج، تطبیق میان‌فردی و بازبینی مجدد مضامین توسط صاحب‌نظران صورت گرفت.

### یافته‌ها

مقوله ۱: الزامات نهادی و ساختاری

سیاست‌گذاری آموزشی:

یکی از پیش‌نیازهای نهادینه‌سازی آموزش چندفرهنگی در مدارس، وجود سیاست‌گذاری شفاف، هماهنگ و هدفمند در سطح کلان نظام آموزشی است. مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که اسناد بالادستی باید به‌طور مشخص به مفهوم آموزش چندفرهنگی اشاره کنند و این

موضوع در تدوین برنامه‌های درسی لحاظ شود. به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان: «وقتی در سند تحول بنیادین حتی یک بار هم به چندفرهنگی بودن جامعه اشاره نشده، معلم چطور باید بداند این موضوع مهم است؟».

حمایت مدیریت مدرسه:

نقش مدیران مدارس به‌عنوان تسهیل‌گر فرایند تغییر فرهنگی و تربیتی، بسیار کلیدی ارزیابی شد. مشارکت‌کنندگان اشاره داشتند که مدیران در تخصیص منابع، تشویق معلمان، و اجرای برنامه‌های فرهنگی نقش تعیین‌کننده دارند. به‌زعم یکی از معلمان شرکت‌کننده: «وقتی مدیر مدرسه خودش ارزش تنوع را درک نمی‌کند، انتظار نداشته باشید برنامه چندفرهنگی موفق شود».

هماهنگی بین‌بخشی:

اجرای مؤثر آموزش چندفرهنگی نیازمند تعامل میان نهادهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی است. شرکت‌کنندگان بر ضرورت همکاری میان آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ، سازمان‌های مردم‌نهاد و شوراهای محلی تأکید داشتند. یکی از کارشناسان اظهار داشت: «اگر فقط آموزش و پرورش را مسئول بدانیم، حلقه‌های دیگر جامعه نادیده گرفته می‌شوند. این موضوع فرابخشی است».

برنامه‌ریزی منابع آموزشی:

فراهم آوردن منابع آموزشی متنوع، چندزبانه و بومی‌گرا از دیگر عوامل کلیدی معرفی شد. مشارکت‌کنندگان خواهان استفاده از داستان‌ها، تصاویر، فیلم‌ها و محتوایی بودند که فرهنگ‌های مختلف را بازنمایی کند. یکی از مدیران مدارس گفت: «ما حتی یک کتاب داستان نداریم که فرهنگ بلوچ یا کرد را معرفی کند، بچه‌ها چطور باید با آن آشنا شوند؟».

ارزیابی و پایش:

ضرورت طراحی شاخص‌هایی برای سنجش میزان تحقق آموزش چندفرهنگی در مدارس یکی از نکات برجسته بود. مشارکت‌کنندگان به نبود نظام ارزیابی معنادار در این حوزه اشاره کردند. به‌بیان یکی از مسئولان: «تا وقتی ابزار سنجش نداشته باشیم، نمی‌فهمیم که چقدر موفق بوده‌ایم».

مقوله ۲: ظرفیت‌های انسانی و فرهنگی

شایستگی فرهنگی معلمان:

تسلط معلمان به مفاهیم و مهارت‌های فرهنگی یکی از شروط بنیادین اجرای موفق آموزش چندفرهنگی است. به گفته یکی از مشارکت‌کنندگان: «وقتی معلم فرق فرهنگ قومی و لهجه را نمی‌داند، چطور می‌خواهد کلاس را مدیریت کند؟». شایستگی‌هایی مانند پذیرش تفاوت، مدیریت تعارضات فرهنگی و رفتار بدون تعصب ضروری دانسته شد.

آموزش حرفه‌ای معلمان:

برگزاری دوره‌های توانمندسازی معلمان برای مواجهه با کلاس‌های چندفرهنگی از دیگر نکات پرتکرار در مصاحبه‌ها بود. برخی معلمان اشاره کردند که تا به حال هیچ کارگاه یا آموزش رسمی در این زمینه دریافت نکرده‌اند. یکی از معلمان تصریح کرد: «اگر قرار است چندفرهنگی آموزش دهیم، اول باید خودمان آموزش ببینیم».

نگرش و باورهای معلمان:

باورهای فردی معلمان نقش مهمی در نحوه اجرای آموزش چندفرهنگی دارد. مشارکت‌کنندگان تأکید داشتند که در برخی موارد، نگرش‌های قالبی و کلیشه‌ای باعث ایجاد مقاومت در برابر تنوع فرهنگی می‌شود. یک معلم گفت: «برخی همکارانم فکر می‌کنند تنوع یعنی دردسر، نه فرصت».

تنوع دانش‌آموزی:

ترکیب متنوع قومی، زبانی و اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس، هم فرصت و هم چالش برای اجرای آموزش چندفرهنگی فراهم می‌کند. به گفته یکی از مدیران: «در مدرسه ما بیش از پنج قومیت داریم، ولی هیچ برنامه‌ای برای شناخت متقابل وجود ندارد». مشارکت والدین:

نقش خانواده‌ها در حمایت از برنامه‌های چندفرهنگی برجسته شد. برخی معلمان بر ضرورت تعامل فرهنگی با والدین تأکید کردند. یکی از آن‌ها بیان داشت: «وقتی مادر یک دانش‌آموز خودش فرهنگش را پنهان می‌کند، فرزندش هم احساس غرور نمی‌کند». الگوهای رفتاری فرهنگی در مدرسه:

شیوه‌های برخورد معلمان با تفاوت‌ها، زبان ارتباطی آنان و نمادهای فرهنگی در مدرسه از عوامل تعیین‌کننده در القای فضای پذیرنده هستند. یک دانش‌آموز که در مصاحبه حضور داشت، گفت: «هیچ وقت اجازه نداشتم به زبان مادری‌ام شعر بخوانم؛ احساس می‌کردم فرهنگم پذیرفته نیست».

مقوله ۳: راهبردهای تربیتی و آموزشی

ادغام در برنامه درسی:

شرکت‌کنندگان تأکید داشتند که مفاهیم چندفرهنگی باید به‌صورت ادغام‌شده در دروس مختلف گنجانده شوند، نه صرفاً در قالب واحدهای درسی جداگانه. یکی از معلمان علوم اجتماعی گفت: «در درس تاریخ ایران، می‌شود درباره نقش اقوام مختلف صحبت کرد، ولی معمولاً این فرصت‌ها از دست می‌رود».

روش‌های تدریس مشارکتی:

تکنیک‌های تعاملی مانند بحث گروهی، بازی نقش، یادگیری پروژه‌محور و گفت‌وگوی انتقادی به‌عنوان روش‌های مؤثر در ایجاد آگاهی فرهنگی معرفی شدند. یک معلم ابتدایی اظهار داشت: «وقتی از بچه‌ها خواستم غذای سنتی‌شان را معرفی کنند، خیلی با ذوق این کار را کردند». محیط یادگیری شامل‌گرا:

فضای فیزیکی و روانی کلاس نیز در تقویت احساس تعلق و احترام متقابل اهمیت دارد. استفاده از تصاویر، نمادها و زبان‌های متنوع در کلاس و مدرسه، در مصاحبه‌ها به‌عنوان عاملی مهم مطرح شد. یکی از مدیران گفت: «مدرسه باید شبیه جامعه باشد، نه فقط شبیه یک فرهنگ خاص».

برنامه‌های فوق‌برنامه:

فعالیت‌هایی نظیر جشنواره‌های فرهنگی، اردوهای قومی، نمایشگاه‌های غذا و لباس، نقش مؤثری در ترویج فرهنگ چندفرهنگی دارند. به گفته یکی از مربیان پرورشی: «وقتی جشن اقوام برگزار کردیم، دانش‌آموزان احساس غرور کردند که فرهنگشان دیده می‌شود». تقویت هویت فرهنگی دانش‌آموزان:

ایجاد فضایی برای ابراز هویت فرهنگی، زبان مادری و پیشینه قومی دانش‌آموزان، از منظر مشارکت‌کنندگان عاملی در تقویت اعتماد به نفس و خودپذیری دانسته شد. یک دانش‌آموز نقل کرد: «وقتی اجازه داشتم داستانی از زبان مادری‌ام تعریف کنم، برای اولین بار حس کردم دیده می‌شوم».

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر که با بهره‌گیری از تحلیل مضمون مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۸ نفر از معلمان، مدیران، متخصصان و سیاست‌گذاران آموزشی شهر تهران انجام شد، نشان داد که نهادهای سازای آموزش چندفرهنگی در مدارس مستلزم سه مقوله اصلی شامل الزامات نهادی و

ساختاری، ظرفیت‌های انسانی و فرهنگی، و راهبردهای تربیتی و آموزشی است. این مقوله‌ها در قالب ۱۶ زیرمقوله و ده‌ها مفهوم باز، شناسایی و تحلیل شدند. در ادامه به تفسیر و تحلیل این نتایج در پرتو یافته‌های پیشین و پژوهش‌های مشابه پرداخته می‌شود.

یکی از مهم‌ترین نتایج این پژوهش، نقش کلیدی ساختارها و سیاست‌های نهادی در ایجاد زیرساخت‌های لازم برای آموزش چندفرهنگی بود. مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که نبود سیاست‌گذاری هدفمند، برنامه‌ریزی ضعیف منابع، و غیبت ارزیابی‌های اثربخش مانع اصلی تحقق آموزش چندفرهنگی است. این یافته با مطالعات Banks (۲۰۱۵) همخوانی دارد که تأکید می‌کند نهادهای آموزشی باید از طریق بازنگری اسناد کلان، تخصیص منابع، و طراحی شاخص‌های ارزشیابی، زمینه لازم را برای عملیاتی‌سازی آموزش چندفرهنگی فراهم کنند. همچنین، پژوهش van Koeven و Leeman (۲۰۱۹) در هلند نیز نشان داده است که هماهنگی بین‌بخشی میان نهادهای فرهنگی، شهرداری‌ها و وزارت آموزش نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت اجرای برنامه‌های چندفرهنگی دارد.

شایستگی فرهنگی معلمان، نگرش آنان به تفاوت‌های فرهنگی، و آمادگی آن‌ها برای مدیریت کلاس‌های متنوع از مهم‌ترین عوامل انسانی مؤثر بر آموزش چندفرهنگی شناسایی شد. مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند که اغلب معلمان آموزش لازم برای مواجهه با تنوع فرهنگی را ندیده‌اند. این یافته با نتایج پژوهش Villegas و Lucas (۲۰۱۳) همخوانی دارد که بر اهمیت آموزش معلمان در قالب دوره‌های ضمن خدمت و تجربه‌محور تأکید کرده‌اند. همچنین، مطالعات Nieto و Bode (۲۰۱۲) نیز تأیید می‌کند که نگرش مثبت معلم نسبت به تنوع، پیش‌نیاز اصلی آموزش چندفرهنگی اثربخش است. در همین راستا، تعامل سازنده با والدین و بازتاب رفتارهای فرهنگی در مدرسه نیز نقش بسزایی در تقویت فضای چندفرهنگی دارند، امری که در پژوهش Gorski (۲۰۱۶) نیز به آن اشاره شده است.

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که ادغام محتوا و رویکردهای چندفرهنگی در برنامه درسی، بهره‌گیری از روش‌های تدریس مشارکتی و خلق محیط یادگیری شامل‌گرا از مهم‌ترین راهبردهای آموزشی در راستای نهادینه‌سازی آموزش چندفرهنگی محسوب می‌شوند. پژوهش‌های متعدد بر ضرورت تلفیق موضوعات فرهنگی در دروس مختلف و پرهیز از تفکیک محتوایی تأکید داشته‌اند (Gay, 2018). همچنین استفاده از فعالیت‌های فوق‌برنامه چون جشنواره‌های فرهنگی، اردوهای قومی و نمایشگاه‌های غذا نیز به‌عنوان ابزارهای مکمل برای تقویت تجربه چندفرهنگی معرفی شده‌اند (Banks, 2015). در این پژوهش نیز مشارکت‌کنندگان به‌صراحت به نقش این فعالیت‌ها در ایجاد حس تعلق، دیده‌شدن و تقویت اعتماد به نفس فرهنگی در میان دانش‌آموزان اشاره کردند.

یکی از ابعاد قابل توجه در یافته‌های این پژوهش، تأکید بر ایجاد محیط یادگیری شامل‌گرا و منعکس‌کننده تنوع فرهنگی بود. به‌ویژه در مدارس با دانش‌آموزان اقلیت، بازنمایی فرهنگی در زبان، تصاویر، قوانین و روابط اجتماعی مدرسه، تأثیر مستقیمی بر کیفیت آموزش و تجربه تحصیلی دانش‌آموزان دارد. Gorski (۲۰۱۶) در پژوهش خود عنوان می‌کند که مدارس باید فضاهایی باشند که نه تنها از نظر فیزیکی، بلکه از نظر روانی و نمادین نیز تنوع را بازتاب دهند.

## مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

## تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

## شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

## حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## References

- Banks, J. A. (2015). Cultural diversity and education: Foundations, curriculum, and teaching (6th ed.). Routledge.
- Gay, G. (2018). Culturally responsive teaching: Theory, research, and practice (3rd ed.). Teachers College Press.
- Nieto, S., & Bode, P. (2012). Affirming diversity: The sociopolitical context of multicultural education (6th ed.). Pearson.
- Sleeter, C. E. (2011). The academic and social value of ethnic studies: A research review. National Education Association.
- Lucas, T., & Villegas, A. M. (2013). Preparing linguistically responsive teachers: Laying the foundation in preservice teacher education. *Theory Into Practice*, 52(2), 98–109.
- Gorski, P. C. (2016). Reaching and teaching students in poverty: Strategies for erasing the opportunity gap. Teachers College Press.
- Leeman, Y., & van Koeven, E. (2019). The multicultural school in the Netherlands and the need for teacher professionalization. *Education Sciences*, 9(2), 89.